

واکاوی و نقد شبهه امکان تحریف در قرآن

محمد هاشم زمانی*

چکیده

به منظور بررسی و واکاوی تحریف قرآن به دو نکته پرداخته می‌شود: نکته اول امکان یا عدم امکان تحریف در قرآن و نکته دیگر تحریف قرآن کنونی است. در پاسخ باید گفت: که اگر امکان تحریف بوده و تحریف نشده است، در این صورت همانند کتب دیگری است که حتی قبل از قرآن بودند و تحریف نشده‌اند، و در این صورت نمی‌تواند قداست داشته و از نیروی ماورایی برخوردار باشد. و نکته دیگر این اختلاف، در برداشت از این کتاب است که هر کسی به اجتهاد خود، آن را معنا می‌کند که این برخاسته از ساختار قرآن است که بصورت کتابی با آیین نگارشی مشخص تنظیم نشده است. در اثبات عدم امکان تحریف قرآن باید گفت: و حیانی بودن قرآن کریم با هم‌آورد طلبی از انس و جن برای آوردن کتابی همانند قرآن یا سوره‌ای و یا ده سوره مثل آن ثابت می‌شود و چون کسی را یارای آوردن مثل آن نبوده و نیست و نخواهد بود، این کتاب به‌عنوان معجزه‌ای الهی شناخته شده است و همین در قداست و فوق بشری بودنش کافی است. قرآن کریم با پیش‌بینی این شبهات با وجوه مختلف به آنان پاسخ گفته است. این نکته که پیامبر ﷺ فردی امی بوده و این کتاب مصدق کتب آسمانی دیگر است و هم‌آورد طلبی و اهتمام مسلمانان برای حفظ آن و عنایت الهی در صیانت قرآن از دستبرد دیگران، از جمله دلایلی است که امکان تحریف در این کتاب مقدس را نفی می‌کند. همچنین شواهد و دلایلی وجود دارد که اثبات می‌کند قرآن کنونی همان قرآن حقیقی است که بر پیامبر ﷺ نازل شده است.

واژگان کلیدی: امکان تحریف، کتاب، امی، قرآن، هم‌آورد طلبی، وحی.

* . کارشناسی‌ارشد نهج‌البلاغه از دانشگاه علوم قرآن و حدیث؛ norforqanzam@yahoo.com

مقدمه

اسلام هویتش به قرآن است؛ لذا مسلمانان نسبت به جایگاه و شأن قرآن کریم بسیار تأکید دارند و از گذشته بر روی موضوع تحریف قرآن کریم مباحثه و گفتگو بسیار شده است و علمای مذاهب اسلامی، هر کدام به گونه‌ای از کیان این کتاب گران‌سنگ حمایت کرده‌اند و وجوه اعجاز آن را بیان کرده‌اند؛ البته میان مسلمانان سئوالاتی نسبت به وجوه مختلف آیات و تفاوت واژه‌ها و عبارات قرآن مطرح بوده و نیز از جانب مخالفان، شبهاتی در ماهیت این کتاب مطرح شده است. برای مثال گویند: قرآن در اصل یک گفت‌وگو و محاوره است و هیچ‌گاه قرار نبود کتاب شود؛ لذا عدم علامات نگارشی در آن ضروری به جایگاه او نمی‌زند. به همین دلیل مشاهده می‌شود که در ترجمه و برداشت از آیات اختلاف است و هر کسی بر رأی خویش عمل می‌کند و این به سبب آن است که علامت وقف نداشته و یا موضوعاتش بصورت مشخص بیان نشده است. بسیاری از خاورشناسان غربی اعتقاد دارند، قرآن هیچ‌گاه به هدف جمع‌آوری به صورت کتاب سروده نشده است و به همین علت محمد ﷺ تا آخر عمر خود، هیچ‌گاه قصد جمع‌آوری قرآن در یک کتاب را نداشت. که دانشمندان به آنها پاسخ داده‌اند؛ آنچه از نظر کلامی می‌توان پاسخ گفت این است که خدا حجت را بر بندگانش تمام کرده و برای او کتابی نازل فرموده است که مردم را هدایت و به روز رستاخیز هشدار دهد و لازمه آن این است که این کتاب از دستبرد بشر به‌دور باشد. و تحریف شدن کتاب آسمانی، آن را از وحیانی بودن بیرون نمی‌کند. همانگونه که تورات و انجیل تحریف شده‌اند؛ اما کسی نمی‌گوید خدا کتابی به نام تورات و انجیل نازل نکرده است و بلکه می‌گوید این دو کتاب آسمانی را عده‌ای تحریف کرده‌اند. از این‌رو، وحیانی بودن قرآن با تحریف شدن یا نشدن آن منافاتی ندارد و قرآن، وحیانی است؛ لکن چون قرآن اعجاز دارد و به دلایل غیرقابل انکار که بیان خواهد شد اثبات می‌نمائیم که قرآن تحریف نشده است.



مفهوم‌شناسی

تحریر از ریشه «حرف» به معنای گوشه، کنار و طرف است (جوهری، ج ۳، ص ۱۳۴۲؛ ابن‌منظور، ج ۹، ص ۴۳)؛ چون تحریر از باب تفعیل است، به معنای کناره بردن و به گوشه کشاندن خواهد بود؛ از این‌رو تحریر گفتار به این معناست که با تغییر و جابه‌جا کردن کلمات و جملات یا تفسیر نادرست، مفهوم مورد نظر متکلم را از بستر صحیح و مطلوب خارج ساخته، به مفهومی کناره بکشاند که در حاشیه معنای اصلی جای داشته باشد.

اکنون دلایل حقانیت وحی و وحیانیت قرآن کریم را به قرار زیر می‌آوریم:

نقد و بررسی

۱. هم‌اوردطلبی قرآن

«هم‌اوردطلبی» یا در اصطلاح علوم قرآنی «تحدی» به معنای این است که مخالف را دعوت به مبارزه نمائیم و برای حقانیت خود و اثبات جایگاه خویش از دیگران بخواهیم که مثل آنچه ما داریم بیاورند. علامه طباطبایی تحدی را چنین معنا کرده است: «معنای تحدی به مثل در آنجا که فرمود: "بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ" و "یا" بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ و "یا" بِسُورَةٍ مِثْلِهِ و "یا" بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ چیست؟ وجه ظاهر در آن، این است که وقتی کلامی به ادعای مدعیش آیت و معجزه باشد، اگر کسی بتواند مثل آن را بیاورد توانسته است ادعای آن مدعی را باطل کند و در ابطال آن به بیش از آوردن مثل آن نیازی ندارد، و لازم نیست که کلامی بهتر از آن از حیث صفات و خواص بیاورد» (طباطبایی، ج ۱۰، ص ۱۶۸).

الف) هم‌اورد طلبی و دعوت به اندیشه در قرآن

قرآن، احتجاج خدا برای پیامبرش در برابر بشریت می‌باشد و رسول خدا ﷺ بر حقانیت خود یقین داشته و واهمه‌ای از کسی ندارد، به همین دلیل همه را دعوت کرده تا اگر در وحیانی بودن قرآن شک دارند، همانند آن را بیاورند (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۷). گاهی با دعوت به آوردن سوره‌ای مثل قرآن: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا





عَلَىٰ عِبْدِنَا فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾ (بقره: ۲۳)؛ «و اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک و تردید دارید، یک سوره همانند آن بیاورید، و گواهان خود را - غیر خدا - فراخوانید اگر راست می گویند»؛ گاهی با دعوت به آوردن ده سوره: ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (هود: ۱۳)؛ «آیا می گویند: او به دروغ این (قرآن) را (به خدا) نسبت داده؟! بگو اگر راست می گویند، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید و تمام کسانی را که می توانید - غیر از خدا - دعوت کنید» و گاهی با دعوت به آوردن چیزی همانند قرآن: ﴿قُلْ لَسِيْنَ اِجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلٰى اَنْ يَّاتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لَا يَأْتُوْنَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظٰهِيْرًا﴾ (اسراء: ۸۸)؛ «بگو اگر انسان ها و جنیان اتفاق کنند همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد، هر چند یکدیگر را در این کار کمک کنند».

این هموارد طلبی، بهترین دلیل بر این است که قرآن کریم با تهدید، ارباب و بدون استدلال و تعقل، ایمان کسی را ارزشمند نمی داند و کسی به خاطر تحقیق در حقانیت قرآن مورد مواخذه قرار نمی گیرد.

۱.۲. شکست همواردان و تحقق نقد و بحث پذیری قرآن

ادبا، سخنوران، فرهیختگان علم و ادب در طول تاریخ به مقابله با همواردطلبی قرآن پرداختند و پس از اقدام به مبارزه و ناتوانی خویش از آوردن نمونه ای کوچک اعتراف کرده اند که قرآن، کلام بشری نیست. افرادی چون ولید بن مغیره مخزومی که در میان مشرکین صدر اسلام به امیر سخن معروف بود، (ر.ک: ابن هشام، ج ۱، ص ۲۸۸، غزالی، ۱۳۵۸ق، ج ۱، ص ۲۸۱)؛ عتبه بن ربیعہ از بزرگان و مشاهیر سخن قریش، نضر بن حارث کلدہ از سران و تیز هوشان عرب و ... (سیوطی، [بی تا]، ج ۶، ص ۲۸۳، طبری، ۱۳۵۸ق، ج ۲، ص ۵۰۴، ۵۰۸، ۶۳ و ۴۸۶)؛ حتی دانشمندان غربی و غیر مسلمان در

عصر مدرن امروزی و شرق‌شناسانی که از روی انصاف به قرآن نگریسته‌اند و آن را به دور از تعصبات دینی مطالعه کرده‌اند، هم تصدیق کرده‌اند که قرآن، کلام غیربشری و بی‌نظیر است؛ از جمله:

دکتر «لورا واکیا واگلیری» استاد دانشگاه ناپل در کتاب پیشرفت سریع اسلام می‌نویسد: «قرآن کتابی است که نمی‌توان از آن تقلید کرد... . چطور ممکن است این کتاب اعجاز آمیز، ساخته محمد باشد در صورتی که او یک عرب درس نخوانده‌ای بود ...» (واگلیری، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۳۸)؛ وی در جای دیگر می‌نویسد: «بزرگ‌ترین معجزه اسلام، قرآن است که به وسیله آن یک رشته روایات و داستان‌های منظم و مقطوع و اخباری مبنی بر قطعیات مطلقه به ما می‌رسد» (همان، ص ۳۵).

«توماس کارلیل» مؤرخ و نویسنده معروف انگلیسی درباره رسول خدا ﷺ می‌نویسد: «این شخص، از سرچشمه بی‌پایان هستی برای ما پیغام آورده است؛ ما هرگز نمی‌توانیم او را مرد دروغ‌گو بنامیم؛ رسالت و پیامی که او ادا کرد، جز حق محض و سخنان او جز ندای راست و پیام حق که از دنیای نادیده و ناشناخته برآمده است، چیزی دیگری نبود» (کارلیل، ۱۳۴۹ق، ص ۵۷)؛ وی درباره قرآن می‌گوید: «اگر یک بار به این کتاب مقدس نظر افکنیم حقائق برجسته و خصائص اسرار وجود، طوری در مضامین جوهره آن پرورش یافته که عظمت و حقیقت قرآن به خوبی از آنها نمایان می‌گردد و این خود مزیت بزرگی است که فقط به قرآن اختصاص یافته و در هیچ کتاب علمی و سیاسی و اقتصادی دیگر دیده نمی‌شود، بلی خواندن برخی از کتاب‌ها تأثیرات عمیقی در ذهن انسان می‌گذارد ولی هرگز با تأثیر قرآن قابل مقایسه نیست، از این جهت بایستی گفت: مزایای اولیه قرآن و ارکان اساسی آن، مربوط به حقیقت و احساسات پاک و عناوین برجسته مسائل و مضامین مهم آن است که هیچ‌گونه شک و تردید در آن راه نیافته و پایان تمام فضائل را که موجد تکامل و سعادت بشری است در برداشته و آنها را به خوبی نشان می‌دهد» (همان، ص ۶۲).

«هوستون اسمیت» نیز می‌گوید: «اسلام بر آن است که کتب مقدسه یهود و نصاری نیز همچنان وحی و الهام آسمانی بوده‌اند که از مصدر جلال الهی ناشی گشته‌اند، از این‌رو، پیروان آن ادیان را اهل کتاب می‌خوانند. با آن همه، دو کتاب تورات و انجیل





عهد قدیم و جدید) دارای دو نقص است که کتاب اسلام از آن دو میرا می‌باشد: نخست این که آن‌ها در مراحل ابتدایی رشد روحانی بشر نازل گشته‌اند. دیگر آن که نویسندگان کتب مقدسه در طول زمان، آن دو را از اصل منحرف ساخته و در هر دو تحریف روا داشته‌اند» (اسمیت، ۱۳۸۱، ص ۲۹).

حاصل سخن آن که به شهادت قطعی تاریخ، انسان‌های منکر و مغرض، به مبارزه با قرآن کریم برخاسته و تمام توان خود را به کار بستند، اما هرگز نتوانستند کاری از پیش ببرند و این بهترین دلیل بر دعوت قرآن به نقد خود و برخورد فیزیکی نکردن با آنها و حیانی بودن و دخالت ندادن بشر در آن می‌باشد؛ چرا که از حقانیت و درستی خود مطمئن است و هراسی از نقد دیگران ندارد و رسول خدا ﷺ و حاکمان کشورهای اسلامی و علمای دین هیچ وقت این افراد را مجازات نکرده و یا فتوا به جواز مجازات هم نداده‌اند. البته سیره عقلا بر این است که با افراد معاند برخورد داشته باشد؛ اما قرآن کریم به همین هم رضایت نداده و فقط وعده عذاب اخروی می‌دهد.

۲. امی بودن رسول الله ﷺ و معارف والای قرآنی

زبان عربی در فنون معانی، بیان، فصاحت و بلاغت قابلیت بسیار بالایی دارد و در عصر نزول قرآن، ادیبان و سخنوران بسیار متبحری وجود داشتند. قرآنی که بر پیامبر درس نخوانده نازل شد، همگی آنان را شگفت زده کرد و به اعجاز آمیز بودن آن اعتراف داشتند؛ اما برخی از آنان برای قبول نکردن این کتاب، نسبت‌های ناروایی مانند ساحر یا شاعر بودن را به پیامبر ﷺ می‌دادند؛ خداوند با مطرح کردن بحث امی بودن به همه متذکر می‌شود که این پیامبری که چنین قرآنی را آورده است، نزد کسی درس نخوانده و فنون فصاحت و بلاغت و معانی و بیان و دیگر فنون ادبی و کلامی را از کسی نیاموخته و در عین حال کتابی آورده که بزرگان این علوم از مشاهده آن علوم و تعالیم و مطالب حکمت‌آمیز بسیار متحیر شده‌اند و آنان را به اعتراف و داشته است که این کلام بشر نیست.

خواندن و نوشتن برای هر انسانی کمال محسوب می‌شود، اما گاه شرائطی پیش می‌آید که درس ناخواندن برای شخص جایگاهی خاص ثابت می‌کند و برای او کمالی



را متحقق می‌کند و این در مورد خاتم انبیاء کاملاً صدق می‌کند، چه اینکه اگر دانشمندی درس خوانده و فیلسوفی آگاه و پر مطالعه، ادعای نبوت کند و کتابی ارائه دهد، ممکن است تردیدهایی پیش بیاید که این کتاب، اندیشه‌های خود اوست یا از کسی یاد گرفته است و قرآن روی همین نکته تاکید می‌کند که: «تو هرگز پیش از این کتابی نمی‌خواندی و با دست خود چیزی نمی‌نوشتی، مبادا کسانی که در صد (تکذیب) سخنان تو هستند، شک و تردید کنند» (عنکبوت: ۴۸)؛ اما اگر از میان یک قوم عقب افتاده یک انسانی که هرگز محضر استادی را درک نکرده، کتابی با محتوایی بسیار بلند و معارفی والا، ارائه دهد، اهل منطق و آزاد اندیش این حقیقت را درک می‌کنند که این تراوش مغز او نیست، بلکه وحی آسمانی و تعلیم الهی است (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۳۰۶)؛ امام رضا علیه السلام در مناظره با علمای ادیان، خطاب به رأس الجالوس (عالم یهودی) فرمود: «از جمله دلایل صدق پیغمبر ما آن است که او شخصیتی یتیم، تهیدست و چوپان بود، هیچ کتابی نخوانده و نزد هیچ استادی نرفته بود، با این حال کتابی آورد که حکایت پیامبران و خبر گذشتگان و آیندگان در آن آمده بود» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۶۷).

تنها بهانه‌ای که برای بعضی مانده، این است که پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از دوران نبوتش در یک یا دو سفری به شام کرد (برای مدتی کوتاه که مشغول انجام برنامه تجارت بود) با علمای اهل کتاب تماس گرفته و مسائل را از آنها دریافت داشته است! دلیل سستی این ادعا در خودش نهفته است که این همه تاریخ پیامبران، احکام کاربردی، قوانین، مقررات و معارف والا را چگونه ممکن است انسان درس نخوانده و مکتب نرفته، به این زودی از افرادی بشنود و به خاطر بسپارد و در مدت ۲۳ سال پیاده کند؟! (مکارم شیرازی، ج ۱۶، ص ۳۰۷) و چرا این معارف و تاریخ پیامبران با کتاب‌های موجود؛ یعنی تورات و انجیل تفاوت‌های اساسی دارد، در حالی که اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را از اهل کتاب آموخته بود، می‌بایست متفاوت نباشد.

از این‌رو، یکی از نکات روشن زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله این است که آن حضرت به مکتب نرفته و درس نخوانده و نزد هیچ استاد، شاگردی نکرده است و با هیچ نوشته و کتابی آشنا نبوده است (رک: طوسی، محمد، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۱۶. قرطبی، ۱۴۰۵ق،



ج ۱۳، ص ۳۵۲) و هیچکدام از مسلمانان و غیرمسلمانان مدعی نشده است که آن حضرت نزد کسی خواندن یا نوشتن آموخته است؛ چنانکه کارلایل در کتاب معروف «الابطال» می‌گوید: «یک چیزی را نباید فراموش کنیم و آن اینکه محمد، هیچ درسی از هیچ استادی نیاموخته است» (رک: مطهری، ص ۹، نقل از کارلایل، ۱۳۴۹ق، ص ۵۷).

رسول خدا ﷺ در مدینه نیز گروهی کاتب داشت که وحی خدا، سخنان پیامبر، عهدنامه‌ها و پیمان نامه‌های رسول خدا با مشرکین و اهل کتاب، دفاتر صدقات، مالیات‌ها و نامه‌های فراوان آن حضرت را به اطراف می‌نوشتند (رک: مطهری مرتضی، ص ۲۱ - ۱۸).

تاریخ پیامبر خدا ﷺ از کودکی تا آخر عمر، توسط افراد مختلفی نوشته شده است، به طوری که مشخصات فردی آن حضرت، مانند: اجداد بزرگوار، پدر و مادر، نحوه زندگی آنها، تاریخ وفات و علت فوت‌شان، تاریخ ازدواج پدر و مادر آن حضرت، تاریخ تولد، شیوه بزرگ شدن آن حضرت، جوانی و کارهایی که انجام می‌داده، همه در کتاب‌ها ثبت شده است؛ به‌عنوان نمونه در نرم افزار نبوی، بیش از هشتصد جلد کتاب درباره تاریخ و خصوصیات و سخنان آن حضرت وجود دارد که هیچ کدام از این کتاب‌ها اشاره‌ای به فراگیری دانش توسط آن حضرت نکرده‌اند و بلکه تصریح شده که نزد هیچ کسی هیچ علمی را نیاموخته است و اگر آن حضرت نزد کسی خواندن یا نوشتن و یا حتی کتاب‌های ادیان آسمانی را نزد برخی از علما شفاهی آموخته بود، به یقین در این کتاب‌ها ذکر می‌شد بخصوص از جانب مخالفین این مطلب گسترش می‌یافت. اینکه لحظات زندگی آن حضرت از تولد تا جوانی، از جوانی تا بعثت و از بعثت تا رحلت ثبت شده و هیچ اشاره‌ای به آموختن آن حضرت چه خواندن و چه نوشتن و چه یادگیری شفاهی نشده است؛ بالاترین دلیل بر این است که آن حضرت هیچ علمی را اعم از علم نوشتن، علم خواندن، علم شفاهی داستان‌ها و کتاب‌های دینی دیگر ادیان نزد هیچ کسی نیاموخته است و این بدان معنی است که معارف قرآن وحی الهی است نه فراگیری از افراد باسواد.

۳. معارف ادیان دیگر

ادیان الهی از منشأ واحدی سرچشمه گرفته و همین امر موجب می‌شود که جوهره اصلی ادیان - بنابر فرض سلامت از تحریف - یکی باشد؛ در ادیان ابراهیمی وجود پاره‌ای از مشترکات در زمینه‌های اعتقادی، احکام و معارف، توصیه‌های اخلاقی، قصص و سرگذشت‌ها، امری انکارناپذیر است و صراحت قرآن به دعوت اهل کتاب به پایبندی به پاره‌ای از اشتراکات انکارناپذیر است؛ از سوی دیگر، قرآن نزول وحی بر پیامبر ﷺ را امری تازه و بی‌سابقه ندانسته و به این نکته که برخی مطالبی که در قرآن است در صحف اولین و کتاب پیشینیان وجود دارد اشاره می‌کند. بنابراین صرف مشابهت میان دو کتاب، نمی‌تواند دلیل اقتباس یکی از دیگری باشد؛ چرا که علت مشابهت قرآن با کتاب‌های آسمانی پیشین، معلول وحدت خاستگاه مشترک این کتاب‌ها؛ یعنی وحی آسمانی می‌باشد. مشابهت اصول اعتقادی و اخلاقی همه پیامبران، وحدت خالق انسان و جهان، فرستاده بودن همه پیامبران از جانب یک خداوند و بالاخره ثابت و غیرقابل تغییر بودن ماهیت و اصول سعادت و شقاوت آدمی نمونه‌ای از این وحدت خاستگاه می‌باشد.

از همین روست که رزنتال اندیشمند خاورشناس معتقد است که اطلاعات برای داوری درباره آنچه که پیامبر ﷺ می‌دانسته یا از آن آگاهی نداشته بسیار ناکافی است و درباره اصالت دعوت پیامبر ﷺ می‌نویسد: «مهم نیست که تا چه اندازه شواهد مستحکم و قانع‌کننده دال بر تأثیر عوامل خارجی بر شکل‌گیری حیات عقلانی و معنوی محمد یافت شود؛ این عوامل هرگز نمی‌تواند موفقیت او را در آفرینش چیزی و تبدیل آن به نیرویی جاودانه که بر همه بشریت اثر نهاد، به گونه‌ای رضایت بخش توضیح دهد؛ زیرا افراد دیگر نیز بدون شک در معرض چنین عواملی بوده‌اند، اما هیچ‌گونه تغییری در روند تاریخ ایجاد نکرده و گمنام باقی ماندند»

(Torrey, The Jewish Foundation of Islam, p. xvii.)



۴. تحریف ناپذیری قرآن

الف) اقسام تحریف

با توجه به تعریفی که از کلمه تحریف به عرض رسید اکنون به ابعاد و اقسام تحریف در قرآن می‌پردازیم و امکان هر یک را بررسی می‌کنیم:

۱- تحریف در معنا

تحریف در معنا یا چیزی که از جایگاه اصلی خود بیرون برده شده و در غیر معنای آن بکار رود جزء موارد تحریف شمرده شده است و در قرآن به آیه شریفه ﴿مَنْ أَلْدَيْنَ هَادُوا يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ يَقُولُونَ﴾ (نساء: ۴۶)؛ برخی از یهود کلمات خدا را تحریف کرده و از جایگاه حقیقی‌اش خارج می‌سازند. آقای خویی در تفسیرش در این قسم چنین می‌گوید: «بی‌گمان و بدون هیچ اختلافی میان مسلمانان این معنای تحریف در تفسیر قرآن روی داده است؛ زیرا هر کس آیات قرآن را بر خلاف حقیقی‌اش تفسیر کرده و معنایی غیر آن را منظور دارد؛ به وادی تحریف قدم گذارده و چه بسیارند اهل بدعت و مذاهب فاسد که قرآن را به این معنا تحریف کرده و آیات آن را بر آراء و امیال خویش تأویل برده‌اند (خویی، ۱۳۹۵ق، ص ۱۹۸-۱۹۷).

۲- تحریف در حروف و حرکات

نوع دوم، تحریف در حروف و حرکات قرآن است. به این معنا که برخی حروف یا حرکات کلمات قرآن تغییر یافته، اما قرآنیّت آن محفوظ مانده است و از بین نرفته است. آقای خویی قائل هستند که این نوع نیز در قرآن واقع شده است؛ زیرا قرائات ده‌گانه قرآن متواتر نیستند. بنابراین پیامد این سخن چنین خواهد بود که قرآن منزل حقیقی، تنها با یکی از آنها برابر بوده و دیگر قرائات، یا چیزی افزون‌تر از قرآن نازل شده دارند و یا کمتر (خویی، ۱۳۹۵ق، ص ۱۹۸)؛ بحث اختلاف قرائات از جمله مباحث مهم علوم قرآنی است. برای نمونه آیه شریفه ﴿فَاعْتَرَلُوا النَّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَ لَاتَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ﴾ (بقره: ۲۲۲)، که کلمه تطهرن با دو قرائت خوانده شده است که در حرکات متفاوت است



و همین اختلاف طبعاً در معنا و نهایت در حکم متفاوت خواهد بود. و دو برداشت فقهی متفاوت در پی خواهد داشت (میلانی، ۱۳۹۴، ص ۳۱).

اگر این نوع تحریف را حقیقی بدانیم و بر اختلاف قرائات صحنه بگذاریم و با این تعبیر که قرآن منزل حقیقی، تنها با یکی از آنها برابر بوده، نمی‌توانیم قرآن واقعی منزل را بدست آوریم، جز اینکه ما قرآن متواتر که همان قرائت حفص از عاصم است را بپذیریم و بقیه قرائات که در روایات است را خارج از دایره حجیت بدانیم و با این کار حجت هم بر ما تمام است.

۳- تحریف در کلمات

اینکه در قرآن کلمه‌ای کم و یا زیاد شده باشد، این احتمال را آقای خوبی در صدر اسلام و زمان صحابه ممکن می‌داند؛ زیرا به گواه قطعی تاریخ، در دوران خلافت عثمان، وی شماری از قرآن‌های موجود را سوزاند و همچنین به استناداران بلاد اسلامی دستور داد تا تمام قرآن‌ها جز آن چه خودش گرد آورده بود، را بسوزانند (خوبی، ۱۳۹۵ق، ص ۱۹۸)؛ از این نکته فهمیده می‌شود که مصحف‌های سوزانده شده با قرآن عثمان، تفاوت‌هایی داشته است. یا در تاریخ داریم که عبدالله بن مسعود از دادن قرآن به دستگاه حاکم خودداری کرد و کتک خورد و بعد مورد دلجویی عثمان قرار گرفت و با قرآن اُبی‌بن‌کعب که به زور گرفتند (میلانی، ۱۳۹۴، ص ۳۲-۳۱).

البته این بیان اثبات نمی‌کند که قرآن از این جهت مورد تحریف قرار گرفته است؛ چرا که همه مسلمانان به اتفاق و با دلیل روشن معتقدند که این قرآن موجود، بدون کم و کاست، الهی بوده و از دستبرد مصون است.

۴- تحریف در افزایش و کم شدن آیه یا سوره

یکی از اقسام تحریف، افزایش و یا کم شدن بخشی از یک آیه یا سوره است. در عین اینکه قرآن منزل با قرائت آن آیه یا سوره توسط پیامبر اکرم ﷺ، محفوظ باشد. مثلاً میان اهل سنت این اختلاف است که آیا بسمله ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ بخشی از قرآن است یا نه؟ برخی آن را جزء قرآن نمی‌دانند حتی برخی همچون مالک بن انس،





آوردن آن را پیش از سوره حمد در نمازهای واجب مکروه دانسته است. اما شیعه جزئیت بسمله را برای همه سوره‌ها جز سوره توبه پذیرفته است. این نوع تحریف را آقای خوبی قائل است که در قرآن رخ داده است (خویی، ۱۳۹۵ق، ص ۲۰۰)؛ اما این را نمی‌توان به معنای تحریفی گرفت که خسارت به حجیت قرآن و ماهیت الهی او بزند.

۵- تحریف به افزایش و کاهش

این قسم اشاره به این دارد که بخش‌هایی به قرآن نازل از طرف خدا اضافه شده است که از جانب خدا نیست و یا بخش‌هایی که نازل شده است بر اثر رویدادهایی از مردم پوشیده مانده است. در این نوع از تحریف، کسی را سراغ نداریم که قائل به الهی بودن کلیت قرآن نباشد و حجیت آن را پذیرفته باشد و به چنین تحریفی در قرآن معتقد باشد. شیخ مفید گوید: «گروهی از امامیه گفته‌اند که همانا چیزی از کلمه، آیه و سوره‌های قرآن کم نشده است؛ بلکه آن چه کاسته شده تأویلات و تفاسیری است که در قرآن امیرالمؤمنین علیه السلام ثبت شده و بی‌آن که چیزی از قرآن معجز شمرده شود، بیان‌گر حقیقت تنزیل بوده است (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۸۱).

ب) ادله عدم تحریف در قرآن

مطابق برخی از ادله هیچ تحریفی در قرآن به صورت کم یا زیاد شدن و یا به صورت تبدیل کلمات و آیات صورت نگرفته است که برخی از این ادله عبارتند از:

۱- گواهی تاریخ

قرآن، از روز نخست به طور ویژه مورد توجه همه مردم به خصوص مسلمین بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخصاً محافظ قرآن بود و پیوسته دستور حفظ، ثبت و ضبط آن را می‌داد و مسلمانان موظف بودند آن را ثبت و حفظ کنند (حسن‌زاده آملی، [بی‌تا]، ص ۲۸)؛ برانگیختن مردم بر حفظ قرآن در سینه‌ها و کاغذها از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سفارش ایشان به تعلیم و تعلم آن میان مردان و زنان و کودکان، امری انکارناپذیر است. و مسلمانان در طول تاریخ انگیزه‌های فراوانی برای حفظ و پاسداری از قرآن از خود نشان دادند و این امر را بر دیگر امور مقدم داشتند؛ چرا که این کتاب معجزای

جاودان و ریشه احکام شرعی و امور دینی بود. با چنین اوصافی، چگونه می‌توان گفت که چیزی از قرآن کم و به ورطه تحریف در غلتیده باشد. و در صورتی که همت و انگیزه‌های مقابله با این کتاب مترصد تحریف در آن می‌شدند، چنانچه در طول تاریخ کسانی بودند که در برابر قرآن قرار گرفتند؛ اما خدای متعال خود به قرآن عنایت داشته و حفظ آن را بر عهده گرفته که ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ (فصلت: ۴۲).

۲- تواتر قرآن

یکی از ادله نفی تحریف و حقانیت و وحیانیت قرآن کریم، تواتر قرآن با همه ویژگی‌هایش از طریق روایات است؛ «براساس آنچه که از نظرات علمای اسلام اعم از شیعه و اهل سنت استفاده می‌شود تمام قرآن، آیات و کلمات آن متواتر بوده و دست تحریف در آن راه پیدا نکرده است. مگر عده کمی از هر دو طرف ...» (معرفت، ۱۳۷۵، ص ۳۱)؛ پس شیعیان بر این باورند که قرآن در دسترس ما بی‌کم و کاست، همان قرآنی است که بر رسول خدا ﷺ فرو آمده و بر ما خوانده شده است. چنانکه شیخ صدوق در این باره گفته: «به اعتقاد ما، قرآنی که بر پیامبر ﷺ فرو آمده، همان قرآن میان دو جلد و در دسترس مردم است، نه چیزی بیش از آن و شمار سوره‌هایش به صد و چهارده سوره می‌رسد» (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ص ۸۳).

۳- روایات

روایاتی که از حضرات معصومین علیهم‌السلام به دست ما رسیده، بیانگر آن است که در قرآن هیچ تحریفی صورت نگرفته است؛ مانند این روایت: «ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد، مردم می‌گویند چرا خداوند فرموده است: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ ولی نامی از علی و خاندان او نبرده است؟ حضرت فرمودند: در قرآن فریضه نماز نازل گردید، ولی از رکعات و شرایط آن نامی برده نشد تا آن که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خود بیان نمودند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸۶).





و یا روایت متواتر و معروف ثقلین «إني تارك فيكم الثقلين أو الخليفين كتاب الله و عترتي أهل بيتي ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا أبدا فإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۱۳)؛ که وقتی رسول اکرم ﷺ دستور تمسک به آن تا روز قیامت را می‌دهند، روشن می‌شود که قرآن برای همیشه و تا روز قیامت محفوظ است؛ زیرا اگر قرآن تحریف شده باشد، به آن نمی‌توان تمسک نمود (جوان آراسته، ۱۳۸۰، ص ۳۲۰).

و یا روایاتی که ما را در حوادث و فتنه‌های روزگار، به قرآن ارجاع داده است قال: «دار بلاء و انقطاع، فإذا التبست عليكم الفتن كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن، فإنه شافع مشفع، و ماحل مصدق، من جعله أمامه قاده إلى الجنة، و من جعله خلفه ساقه إلى النار»؛ هر کسی که قرآن را پیشوای خویش قرار دهد او را به بهشت رهنما باشد و کسی که به قرآن پشت کند او را به سوی جهنم بکشاند (کلینی، ۱۰۷ق، ج ۴، ص ۳۹۸). یا روایات عرضه روایات بر قرآن (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، باب ۹ از ابواب صفات قاضی، ح ۱۹، ۲۹ و ۳۵)؛ که اگر قرآن تحریف شده بود و یا اینکه حتی امکان تحریف در آن وجود داشت، چنین روایاتی معنا نداشت.

۴- دلیل عقلی

قرآن، کتابی است که برای هدایت و راهنمایی بشر نازل شده است و به تصریح آیات آن خداوند انسان را از مراجعه به قرآن ناگزیر می‌داند. به ضرورت عقل، آنگاه که خدا برای این انسان کتابی هدایتگر و حجت الهی فرستاده است و بر مبنای آن، مکلفین را بازخواست می‌کند، پس باید این کتاب بدون نقص در اختیار بشر باشد تا براساس احکام و تعالیم آن عمل کند. حال این معقول نیست که خدا کتابی را در اختیار بشر قرار دهد، سپس آن را رها کند تا هرکس به میل خود از آن کم نماید و یا بر آن بیفزاید؛ به عبارت دیگر این خود نقض غرض الهی می‌شود (ر.ک. جوان آراسته، ۱۳۸۰، ص ۳۲۲).

۵- هماهنگی و عدم تناقض

از جمله دلایل بر حقانیت قرآن هماهنگی و انسجام در قرآن است بطوری که نظام هماهنگ و همخوان و دقیق در معارف در این کتاب مشاهده می‌شود، بطوریکه

نمی‌توان میان آیات آن اختلاف و تناقضی دید، چرا که این نظام معرفتی یکپارچه و بدون هیچ اختلاف و تعارض، از نظر قرآن پژوهان یکی از ابعاد اعجازی قرآن است. خدای متعالی می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ، لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء: ۸۲)؛ چرا در قرآن تدبر نمی‌کنند؟ اگر از ناحیه غیر خدا بود، اختلاف‌های زیادی در آن می‌یافتند.

مرحوم علامه بلاغی، انسجام و هماهنگی حاکم بر نظام لفظی و معنایی قرآن را فراتر از توان بشر دانسته و به همین دلیل قرآن را معجزه می‌دانند (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۲)؛ در آیه مذکور، اختلاف، قید کثیر دارد. آیا معنایش این است که در قرآن اختلاف کثیر وجود ندارد، ولی اختلافات کم و جزئی وجود دارد؟! یا نه مقصود چیز دیگری است؟ علامه طباطبایی معتقد است قید «کثیراً» در آیه توضیحی است نه احترازی؛ یعنی اینگونه نیست که فقط اختلاف کثیر در قرآن نباشد و اختلاف کم ممکن است باشد. این بیان قرآن نوعی "تحدی" است و با مطالعات دقیق در قرآن، حق بودن این تحدی معلوم می‌شود؛ زیرا بشر از اول ادراک تا آخر عمر در یک حال و یک رأی نمی‌ماند، بلکه پیوسته نسبت به گذشته‌ها تغییر عقیده و رویه می‌دهد. بزرگان جهان و دانشمندان پیوسته در عقائد و تصمیم‌های خود تجدید نظر می‌کنند. اگر کسی کتابی بنویسد، و بعد از پنج سال بخواهد آن را بازنویسی کند، محال است که در آن تغییر ندهد.

۶- وجود کاتبان وحی

وجود و نقش نویسندگان وحی در پیدایش قرآن نباید فراموش شود؛ یعنی کسانی که بعد از نزول آیات بر پیامبر ﷺ، آنها را یادداشت می‌کردند.

بنا به نقل، ابوعبدالله زنجانی در کتاب «تاریخ قرآن» پیامبر ﷺ نویسندگان متعددی داشت که وحی را یادداشت می‌کردند و آنها چهل و سه نفر بودند که بیش از همه امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) در امر کتابت قرآن ملازم پیامبر ﷺ در این رابطه بودند (ابوعبدالله زنجانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴).

آنها در برخی موارد آنچه را که نوشته بودند، برای پیامبر ﷺ می‌خواندند تا از هر گونه اشتباه احتمالی به دور باشند. کتابی که این همه نویسنده داشته و همگی هم بر



حفظ آن اهتمام داشتند، چگونه ممکن است تحریف شود؟
با توجه به این ادله و ادله دیگر می‌توان چنین نتیجه گرفت که در قرآن علاوه بر
اینکه تحریف صورت نگرفته است، امکان تحریف هم وجود نداشته و ندارد.

۵. کتاب بودن قرآن و زمان تدوین آن

واژه «کتاب» بیش از دویست بار در قرآن به کار رفته است، در موارد بسیاری مراد از
کتاب، قرآن کریم است و در مواردی هم منظور از کتاب؛ تورات، انجیل، نامه عمل،
نوشته، لوح محفوظ و ... است (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷، ص ۲۵۲).
در کتب لغت یکی از معانی ریشه کتاب به معنای نوشته آمده است (ر.ک. راغب
اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۹۹، ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۶۹۸) و روشن است که در
آیات قرآن، کتاب به معنی مکتوب است.

حال چرا به «قرآن»، «کتاب» اطلاق شده است؟ برهان‌الدین زرکشی نوشته است:
«قرآن از آن روی «کتاب» نامیده شده است که انواع قصص، آیات، احکام، اخبار و
معارف را به گونه‌ای ویژه در خود جمع کرده است» (زرکشی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۷۳).
صبحی صالح در ضمن اشاره‌ای به نام‌های قرآن در این باره می‌نویسد: «عنوان «کتاب»
برای قرآن اشاره به جمع و فراهم آوردن آن در سطور نگاشته‌ها است؛ چون کتابت به معنی
جمع حروف و رسم و شکل دادن الفاظ است» (صبحی صالح، ۱۳۷۲، ص ۱۷).
لذا روشن می‌شود که وقتی می‌فرماید ما این کتاب را نازل کردیم به معنای نوشته
شدن است، و باید دانست که در آن زمان هم قرآن به دستور پیامبر نوشته می‌شده
است، که در سطور بالا بدان اشاره شد.

۶. تضمین الهی

یکی از مهمترین دلیل بر اثبات عدم تحریف قرآن کریم ضمانت الهی بر عدم دستبرد
دیگران در آن است که در آیه سوره حجر آمده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ
لَحَافِظُونَ﴾ (حجر: ۹). یکی از آیات منحصر به فرد قرآن که در آن از کلمات و حروف
تأکید بسیار استفاده شده است. همین آیه است که شاید بتوان تأکید در آن را برشمرد و این



حاکمی از آن است که این آیه موضوع بسیار مهمی را بیان می‌کند و اهمیت زیادی دارد. صاحب تفسیر الفرقان تأکیده‌های این آیه را ده تا شمرده است که پنج مورد مربوط به بخش اول و پنج تأکید دیگر برای بخش دوم که برای محافظت از قرآن است؛ تأکیدات عشر، خمس لنزول الذکر و خمس آخری للحفاظ علیه، ففی الاولی جمعیات ثلاث «نا - نحن - نا» اضافه الی «ان - و - نزل» حیث التفعیل تأکید، و فی الاخری «نا - و - حافظون» اضافه الی «ان - له - ل» (صادقی تهرانی، ج ۱۶، ص ۱۲۵).

خدای سبحان در این آیه می‌فرماید که ما خودمان (با جایگاهی که داریم) بی‌تردید ذکر که همان کتاب قرآن کریم است را فرو فرستادیم و محققاً خودمان بدون شک محافظ آن بوده و خواهیم بود. این تعبیر بی‌نظیر برای صیانت قرآن از دستبرد از جانب خدای قادر حکیم، ناظر بر آن است که کسی را یارای تحریف قرآن نیست و هیچ کس نمی‌تواند در برابر تقدیر الهی که نگهداری از این کتاب الهی است تا روز قیامت بایستد و مقابله نماید.

نتیجه

به‌عنوان نتیجه می‌توان گفت که خدای سبحان، این کتاب گرانسنگ را که براساس حکمت و لطف خویش، برای هدایت بندگانش بر پیامبر ﷺ خویش نازل کرده است و خود به وسایط مختلف در حفظ آن عنایت داشته است، و علی‌رغم خصومت‌های فراوان مشرکان و کافران تاریخ با این کتاب و اقدام در از بین بردن جایگاه و اعتبار آن، همچنان این کتاب، مقدس مانده و جایگاه خویش را حفظ کرده و هیمنه خود را بر دیگر کتاب‌ها به اثبات رسانده است؛ لذا امکان تحریف در قرآن نیست، یکی به این جهت که قرآن کتاب ویژه‌ای است و معجزه باقی است و هم‌اورد ندارد و دیگر اینکه خدا با تقدیر خویش از آن مراقبت می‌نماید و طول تاریخ و تحولات زمانه هیچ‌گاه در هویت و اعتبار آن خدشه‌ای وارد نشده و احدی نمی‌تواند کوچکترین نقیصه‌ای به آن وارد کند. در نتیجه قرآن، به‌عنوان کتابی جامع و جهان‌شمول و جاودانه، راهنمای همه بشریت در طول تاریخ است. و همین جایگاه لازمه‌اش این است که کسی را یارای مقابله با آن نباشد و قدرت تصرف و دستبرد در آن نداشته باشد.





فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین، *عیون أخبار الرضا*، تهران: جهان، ۱۳۷۸ ق.
۲. _____، *الاعتقادات فی دین الامامیه*، بیروت: دارالمفید للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۳. ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابن هشام حمیری، *سیره ابن هشام*، مصر: مطبعة المصطفی، ۱۹۶۳ م.
۵. ابو عبدالله زنجانی، *تاریخ القرآن*، تهران: منظمة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۶. اسمیت، هوستون، *مذاهب انسانی در اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۷. بلاغی نجفی، محمدجواد، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.
۸. جوان آراسته، حسین، *درسنامه علوم قرآنی*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم: آل البیت (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. حسن زاده آملی، حسن، *قرآن هرگز تحریف نشده*، قم: [بی جا]، [بی تا].
۱۱. حسینی میلانی، سیدعلی، *تحریف قرآن بررسی و نقد*، قم: انتشارات الحقایق، ۱۳۹۴.
۱۲. خوبی، ابوالقاسم، *البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالزهراء للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۳۹۵ ق.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین، *مفردات الفاظ القرآن*، دمشق: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. زرکشی، محمد بن عبدالله، *البرهان*، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۰ ق.
۱۵. سیوطی، جلال الدین، *الدر المنثور*، مصر: حلبی، [بی تا].
۱۶. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *اوائل المقالات*، تحقیق ابراهیم انصاری، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۱۸. صالح، صبحی، *مباحث فی علوم القرآن*، قم: الرضی، ۱۳۷۲.

۱۹. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله، ۱۴۰۴ق.
۲۰. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، قاهره: [بی نا]، ۱۳۵۸ق.
۲۲. طوسی، محمد، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۹ق.
۲۳. غزالی، ابو حامد، *احیاء العلوم*، [بی جا]: [بی نا]، ۱۳۵۸ق.
۲۴. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۲۵. کارلایل، توماس، *الابطال*، ترجمه محمد السباعی، قاهره: المطبعة المصرية، ۱۳۴۹ق.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۷. مطهری، مرتضی، *پیامبر امی*، قم: صدرا، ۱۳۶۷.
۲۸. معرفت، محمد هادی، *مصونیت قرآن از تحریف*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۳۰. واگلیری، لورا واکیا، *پیشرفت سریع اسلام*، ترجمه غلامرضا سعیدی، قم: روح، [بی تا].

